



Storybooks Canada

storybookscanada.ca

انديسوا ستاره ي فونيل

Written by: Eden Daniels

Illustrated by: Eden Daniels

Translated by: Marzieh Mohammadian Haghighi

This story originates from the African Storybook (africanstorybook.org) and is brought to you by Storybooks Canada in an effort to provide children's stories in Canada's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution-NonCommercial 3.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/3.0/)

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/3.0/>

انديسوا ستاره ي فونيل



Eden Daniels ✎

Eden Daniels 🗣️

Marzieh Mohammadian Haghighi 📄

😊 Persian

|| Level 2





آندیسوا چند پسر را در حال فوتبال بازی تماشا کرد. او آرزو داشت که بتواند آنها را همراهی کند. او از مربی پرسید که آیا می‌تواند با آنها تمرین کند.

” دارند.

این مدرسه، فقط پسران و دختران جوانی که در کلاس درس و کلاس ورزشی درس می‌خوانند، و کلاس: ”در



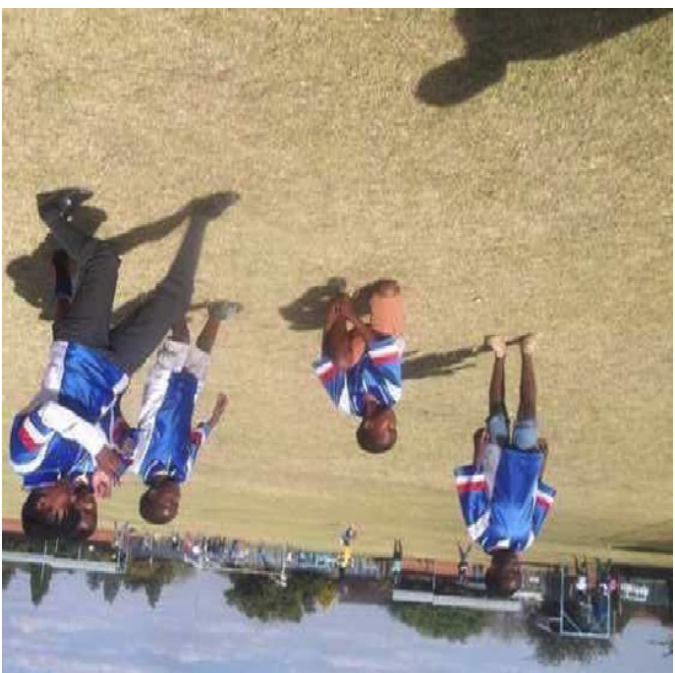


پسرها به او گفتند برو بسکتبال بازی کن. آنها گفتند
بسکتبال برای دخترهاست و فوتبال برای پسرها.
آندیسوا آندوهگین شد.



تماشاچیان بسیار هیجان زده شدند. آزان زمان به
بعد، دخترها هم اجازه ی فوتبال بازی در مدرسه را
پیدا کردند.

در جریان نیمه ی دوم بازی یکی از پسرها توپ را به سمت اندیسوا پاش داد. اندیسوا با سرعت خیلی زیاد ضربه زد و گل زد.



روز بعد، آن مدرسه یک مسابقه ی فوتبال برگزار داشت. مربی نگران چون بهترین بازیکنش را داشت. مربی نگران بود و نمی توانست بازی کند. مریض بود و نمی توانست بازی کند.





آندیسوا په سَمَتِ مُرَبِّي دَوِيد و اِلْتِماسِ كَرْد كِه په
 او اِجازه يِ بازي بَدَهْد. مُرَبِّي مُطْمَئِن نَبود كه چه
 كاري اَنجام بَدَهْد. سِپَس تَصْمِيمِ كَرِفْت كه آندیسوا
 مي تَواند تيم را هَمراهي كُند.



بازي سَخْتِي بود. هيچكس تا نيمه يِ بازي كُگل نَزْدَه
 بود.